

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تفسیر موضوعی قرآن کریم

جلسه نهم: مفهوم و کارکرد عقل

سید حمید حسینی

taalim.ir

- ماده «عقل» در زبان عربی از بستن، محدود کردن و عقال زدن به چارپایان گرفته شده است. چرا که هوا و هوس انسان او را به بی‌قیدی و آزادی مطلق دعوت می‌کند، ولی فهم خوبی و بدی امور، مانع از انجام بسیاری از رفتارها یا ترک کردن برخی کارها می‌شود.
- واژه «عقل» در زبان عربی هم به معنی مصدری به کار می‌رود و هم به معنی حاصل مصدری. اما در زبان فارسی معنای مصدری آن به کار نمی‌رود و تنها به معنی حاصل مصدر به کار می‌رود.

- دانستیم که در قرآن کریم تنها معنای مصدری عقل به کار رفته و منظور از آن، بهره‌گیری از ابزارهای شناخت و رسیدن به فهم و درک و دانایی است. و این موضوع، امری غیراختیاری و متفاوت با تفکر و تعقل است.
 - هیچ‌یک از عناوینی که به صورت اسم (غیر فعل) درباره مراکز شناخت در قرآن به کار رفته، معنای عقل ندارد و همه آنها به معنی قلب است:
- لب (۱۶ بار)

• **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي**
الْأَلْبَابِ (آل عمران: ۱۹۰)

• توجه به این دو آیه نشان می‌دهد لب در قرآن به معنی قلب است و نه عقل:

• **هُدًى وَذِكْرَىٰ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ (غافر: ۵۴)**
 • **إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ (ق: ۳۷)**

• فؤاد (۱۶ بار)

• **وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي**
طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (الأنعام: ۱۱۰)

• النهی (۲ بار)

• **كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ (طه: ۵۴)**

- قرآن کریم کتاب آگاهی و هدایت است و سراسر آن آکنده از تشویق به دانایی و ضرورت بهره‌گیری کامل از ابزارهای شناخت برای شکوفایی و رشد حقیقت وجود آدمی است.

آنچه برای قرآن مهم است، تشویق به تعقل است و نه توضیح و تبیین چستی و فرایند آن. لذا در پاسخ به پرسش درباره چستی جنبه‌های ماورائی، سخن از کم بودن دانش و اطلاعات بشر می‌گوید و وارد مباحث تخصصی آن نمی‌شود:

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (الإسراء: ۸۵)

اما همواره بر اهمیت عقل و ضرورت کسب آگاهی و تعمیق آن تأکید دارد. به عبارت دیگر، دغدغه اصلی قرآن، بهره‌گیری از ابزارهای شناخت است و نه تبیین و توضیح آن. چرا که آنچه ما رشد می‌دهد و از درجه حیوانیت به درجات بالای انسانیت می‌رساند، عبور از آگاهی‌های ظاهری و رسیدن به آگاهی‌های عمیق‌تر و افزایش معرفت است و نه تحلیل و توضیح معرفت.

روش و مطلوب قرآن این است که تمامی شناخت‌های حسی و ظاهری انسان، عمق پیدا کند و او را به مراتب بالاتر هستی سوق دهد. لذا همه ظواهر را آیه و نشانه‌هایی برای پی بردن به مبدأ و غایت هستی می‌داند. بر این اساس همواره بر شناخت آیه‌ای تأکید می‌ورزد.

• به‌عنوان نمونه، بخشی از آیات سوره روم را مرور می‌کنیم:

وَعَدَ اللَّهُ لَأُخْلِفَ اللَّهُ وَعَدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۶) يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (۷) أُولَئِكَ يَتفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ (۸) أُولَئِكَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمِنَ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ (۲۰) وَمِنَ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي

ذَلِكَ لآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (٢١) وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَاجْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ (٢٢) وَمِنْ آيَاتِهِ
مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِّن فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
يَسْمَعُونَ (٢٣) وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ
مَاءً فَيُخْضِئُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (٢٤)